

بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد

مسلم مظفری^{۱*}

احمد عسکری^۲

علیرضا منصوری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

چکیده

این مطالعه با هدف تعیین تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نوع کاربردی بوده است و داده‌های پژوهش به صورت مقطعی و در نیمه اول سال ۱۴۰۳، از طریق پرسشنامه ساختاریافته که بین اعضای نمونه توزیع و در مدت زمان مشخصی جمع‌آوری گردید و روایی به صورت اعتبار صوری و پایایی داده‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و تحلیل رگرسیونی آن پرداخته شد. در همین راستا جامعه آماری، مدارس مقاطع ابتدایی شهرستان لامرد می‌باشد و نمونه آماری نیز شامل ۸۵ نفر از کلیه معلمان فعال در این مدارس می‌باشند به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ک فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین، فرهنگ مهدویت در زمینه شناخت حضرت مهدی، باور و ایمان قلبی، انتظار ظهور، آگاهی از فلسفه غیبت و آگاهی از ظهور حضرت مهدی می‌تواند باعث تقویت باور قلبی معلمان شود.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ مهدویت، باور معلمان، فلسفه غیبت، انتظار ظهور

*۱ دانشجوی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول:

moslem.mozafari1403@gmail.com)

۲ استادیار گروه مدیریت بارگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. askari0048@yahoo.com

۳ استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. alirezamansori1355@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ، مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رسوم و آداب، شعائر و اعمال خاص است که جامعه آن‌ها را می‌پذیرد. فرهنگ مهدویت نیز مجموعه‌ای از آیین‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، مدیریتی، معرفتی، اجتماعی، فقهی و مانند آن است که پیامبر اکرم (ص) بر پایه وحی الهی آن‌ها را برای هدایت انسان‌ها به ارمغان آورد. امامان معصوم (ع) این فرهنگ را به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌اند که تبیین، تفسیر و تشریح آن در زمان کنونی به عهده وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) است. آن حضرت نیز در دوران هفتاد ساله غیبت صغرا، از طریق سفیران خاص خود (نایبان خاص) این مهم را به انجام رساند که در دوران کنونی (غیبت کبرا) مروجان دین و مراجع بزرگوار تقلید (نایبان عام) آن آموزه‌ها را می‌گسترانند. بنابراین، الگوگیری و تأثیرپذیری از فرهنگ مهدویت برای تمام عصرها و نسل‌ها، کارگشا و کارساز است. برای نمونه، به دو اثر و ویژگی این فرهنگ اشاره می‌کنیم: ۱) احاطه علمی امام مهدی (عج) بر اعمال و احوال ما باعث می‌شود که مسئولان و مردم جامعه، امام را شاهد و ناظر بر اعمال خود ببینند و از گناهان فردی و اجتماعی پرهیزند؛ زیرا می‌دانند او از گناهشان ناراحت می‌شود. علاوه بر آن، سعی می‌کنند تا با اعمال شایسته، زمینه خشنودی حضرت را فراهم سازند؛ زیرا می‌دانند او از کار نیک شادمان می‌شود. به بیان دیگر، فرهنگ مهدویت را می‌توان مایه حرکت و عمل صحیح در تمام طبقات نظام و جامعه دانست که تلاش و کوشش صحیح، اصولی و منطقی را در پی می‌آورد؛ ۲) از ویژگی‌های دیگر فرهنگ مهدویت، «امید» است. این ویژگی، برای تمام جوامع و نظام‌ها، از جمله نظام حکومتی ایران ضروری می‌نماید و موجب دل‌گرمی خدمت‌گزاران نظام اسلامی در خدمت به خلق خدا و دین خدا می‌گردد. آری، فرهنگ مهدویت، حرکت آفرین، امید آفرین، تلاش‌زا و نشاط‌آور است و یأس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ‌گرایی را می‌زداید. این فرهنگ، دریچه‌ای به آینده‌ای روشن دارد. البته ویژگی‌ها فراوان است، ولی برای بیان آن‌ها مجال نیست. به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به اندیشه مهدویت اطلاق می‌شود. در حقیقت فرهنگ و ارزش‌های اصیل مهدوی تجلی تام و تمام فرهنگ غنی و پر بار اسلام است. احیای این فرهنگ می‌تواند در تحول و تعالی مادی و معنوی جامعه تأثیرگذار باشد؛ زیرا فرهنگ مهدویت؛ حرکت آفرین، امید آفرین، تلاش‌آور و نشاط‌زا است؛ یأس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ‌گرایی را می‌زداید؛ و راه نجات از بن‌بست‌ها و مولد نیروی حرکت به سوی آینده‌ای روشن است. مهم‌ترین نمود فرهنگ مهدوی در یک جامعه را می‌توان «امید فرج» در آن جامعه دانست. جامعه‌ای که فرهنگ مهدوی را برگزیده است، هرگز دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود. نمودهای فرهنگ مهدوی را می‌توان در رفتار جامعه منتظر مشاهده کرد. زیرا منتظر تربیت شده در سایه فرهنگ مهدوی کسی است که به جامعه فاسد زمانه خویش دل نمی‌بندد و اگر انحراف و کثرت بیبند اعتراض می‌کند و با پیروی از سیره مولا و امام خویش در صدد اصلاح بر می‌آید. بنابراین فرهنگ مهدویت پیام‌آور بیداری و آگاهی امت اسلامی بوده و می‌تواند در پیش‌گیری از تهاجم و شیخون فرهنگی نقش ایفا کند و فعالانه در آماده‌سازی جامعه انسانی برای تحقق جامعه مهدوی تأثیرگذار باشد. بنابراین در پرتو این فرهنگ جامعه‌ای صالح، پر نشاط، برخوردار از سلامت معنوی، هوشیار و آماده برای ظهور منجی موعود جهانی به وجود می‌آید (مازندرانی، ۱۳۹۰). مهدویت یکی از مسائلی است که در خط مشی مبارزاتی مسلمانان شیعه، جایگاهی ویژه دارد و دور کردن جوانان از مهدویت، در صدر لیست نظام سلطه و مخالفان قرار گرفته است. مسئله مهدویت و اندیشه ظهور مهدی موعود در آخر زمان در آیین مبین اسلام، مسئله‌ای اصیل، ریشه دار و با سابقه است که هرگز با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی‌شود (مرادی و قلم‌کاریان، ۱۳۹۳). جوانان در شکلهی آیند

مطلوب جامعه انسانی نقشی محوری دارند ترویج و گسترش اندیشه مهدویت در جامعه، از وظایف منتظران و شیفتگان امام مهدی است؛ اما درباره نسل جوان و نوجوان، اهمیتی فوق العاده و حساسیتی مضاعف دارد. یکی از دلایل اهمیت این مسئله، نقش پذیری و تأثیرپذیری آسان تر و بهتر قشر جوان در مسائل تربیتی و دینی است. به طور قطع برای آینده کشور، جوانان صاحب شور، احساس، تحرک و تابندگی، سرنوشت ساز هستند. جوانان درصدد اظهار وجود، رشد شخصیت و ترقی در عرصه های حیات فردی و اجتماعی برمی آیند. آنان با عشق به مهدی میتوانند امواجی سهمگین رقم زده و طوفان ها برپا کنند. جوان در کنار شور و احساس، تفکر اندیشه و ذهنی تحلیلگر دارد، درست را از نادرست باز میشناسد و به بایدها و نبایدها میرسد. به زعم مرادی و قلمکاریان (۱۳۹۳)، فرهنگ انتظار در پرتو تعلیم و تربیت صحیح محقق خواهد شد؛ زیرا تعلیم و تربیت یکی از مهمترین مجاری جامعه پذیری و فرهنگ سازی است که به هدایت فکری و رفتاری میپردازد. در آیات و روایات نیز به اهمیت تعلیم و تربیت در زمینه سازی ظهور اشاره شده است. آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم و تأثیرگذار برای نهادینه سازی فرهنگ انتظار در جامعه اسلامی است. نهادهای آموزشی چون ارتباط نزدیک، زنده، همیشگی و منظم مخاطبان خود دارند که خیل عظیمی از کودکان، نوجوانان و جوانان را در بر میگیرد، جایگاه مهمی در تعلیم و تربیت افراد دارند و در کنار دیگر نهادهای اجتماعی، مسئولیت اهتمام به امر تربیت دینی مردم را به عهده دارند که معلمان یکی از آن افراد به شمار میروند. تعلیم و تربیت انسان ها کاملاً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست؛ اما باید اذعان کرد که جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهمترین و هدفمندترین بخشهای تعلیم و تربیت آدمی است (سلیمان پور عمران و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به اینکه معلمان میتوانند در تعلیم و تربیت دانش آموزان موثر باشند، با باور دینی و علمی خود میتوانند فرهنگ مهدویت را در دانش آموزان تقویت نمایند. از این رو، در این مطالعه به بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد پرداخته شد.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

فرهنگ مهدویت گفتمانی است که میتواند زمینه سعادت دنیوی و اخروی جامعه بشری را در همه جنبه های فردی- اجتماعی، مادی- معنوی فراهم نماید و اهداف والای خلقت انسان را به صورت کامل محقق سازد. این گفتمان که برخاسته از اصول علمی- عملی فرهنگ شامل: باورها، ارزشها، هنجارها و نمادهاست، این ظرفیت را دارد تا با طرح و بسط خود تحولات شگرفی در حوزه فرهنگ شیعی- اسلامی ایجاد کند و همه امکانات پیدا و پنهان دینی- فرهنگی را در راستای هدایت جامعه ایرانی -اسلامی و به تبع آن قافله بشری، به سوی تکامل و سعادت حقیقی به کار گیرد. در دنیای امروز گفتمان دینستیز غرب، همه توانایی و امکانات خود را برای مصادره سرمایه مادی- معنوی نوع بشر، وارد میدان ساخته است و به وسیله طرح نظریات و مکاتب سیاسی- فلسفی مانند جهانی سازی، لیبرال- دموکراسی، دهکده جهانی، پایان تاریخ، تلاش دارد که فرهنگ و سیاست کشورهای جهان را در جهت تأمین منافع سیاسی- اقتصادی خود به کار گیرد. علاوه براین، در سالهای اخیر جنبش های مذهبی، سیاسی و هنری که در غرب شکل گرفته است، سعی در مصادره باور متمدنی مهدویت دارد، به طوری که با طرح مباحثی مانند آخرالزمان، جنگ جهانی آرماگدون، طرح خاورمیانه جدید و قریب الوقوع بودن ظهور مسیح درصدد است که وعده تخلف ناپذیر الهی را مبنی بر ظهور منجی عالم بشریت، نادیده انگارد و با طرح مسائل حاشیهای سیاسی- دینی و با تیره ساختن شرایط، اهداف پلید اقتصادی- سیاسی خود را صید کنند (عظیمی، ۱۳۹۹). دین مهمترین عامل درونی فرهنگ است که در زمینه گرایش انسانها به فرهنگ، نقش اساسی برعهده دارد؛ دین همچون نیروی محرکی است که از درون انسان، سرمایه اخلاقی- فرهنگی وی را پیوسته

مورد بازسازی و تقویت قرار می‌دهد؛ زیرا دین معرف حالت خاص وجدانی است که بر اثر درک، کیفیت قدسی و نور آن تغییر یافته باشد و تجربه دینی خصلت نوع ویژه‌ای از تجربه عاطفی است و به معنای تسلیم در برابر یک قدرت برتر است؛ پس دین مفهومی خارج از وجود انسان نیست بلکه چشمه خروشان است که ریشه در فطرت و روح انسان دارد. برای آنکه این موضوع ملموس شود، باید دانست که احساسات مذهبی در نزد هرکس که یافت شود، یک نیروی روزافزون در زندگی او وارد میکند و هنگامی که در نبرد زندگی همه می‌دها بر باد می‌رود، دست به کار شده و زندگی درونی تیره‌تر انسان را بهبود می‌بخشد و دوباره وی را به مسیر زندگی، امید، تلاش و پیشرفت رهنمون می‌شود (صادقی، ۱۳۸۷). دین و معنویت نباید در قالب توهمات و تصورات شخصی معنا شود بلکه دین ریشه‌هایی عمیق در وجود و زندگی انسان دارد که پیوسته وی را در برابر دنیای پیچیده درونی و جهان بیانتهای بیرونی قرار می‌دهد. نتیجه اینکه معنویت و دین عبارت است از جستجو برای فهم جوابهایی که به بنیاد هستی و زندگی انسان ارتباط پیدا می‌کند؛ یافتن جوابهایی که در مورد معنای زندگی فردی سؤال می‌کنند، از همه مهمتر، ارتباط درونی با ماورای هستی و با خداوند متعال را در بر میگیرند. عنصر ارتباط مهمترین شاخص انسان و مذهب است که باعث ایجاد هماهنگی درونی انسان با جهان هستی و قدرت لایزال الهی میشود و پیوسته با نوسازی و بازسازی درونی، وی را در مسیر کمال و آرامش سوق می‌دهد. البته رابطه انسان با مذهب یا از راه قلب، یا از روی عقل و یا به وسیله اجرای مراسم و اعمال مذهبی برقرار میگردد. البته انسانها با توجه به تفاوت در روحیات و ویژگیهای شخصیتی، روش یکسانی در برقراری رابطه با مذهب، ندارند و ممکن است که فرد یا افرادی از همه روشهای فوق یا بعضی از آنها در ارتباط با مذهب استفاده کنند که بیانگر اصالت مذهب در زندگی انسان است و ریشه در قلب وی دارد؛ عقل وی را اقناع میکند و ایمان و آرامشی عمیق را با انجام فرایض دینی به وی هدیه مینماید. دین و فرهنگ رابطه متقابل و فعالی دارند و قوت هریک از آنها منجر به تقویت دیگری میشود و برعکس. با اندکی دقت در فرهنگهای گذشته بشری مشخص میشود که هیچ فرهنگی در گذشته نبوده است که دین در آن، جایی نداشته باشد و هیچکس نیز فکر نمیکند که در آینده نیز، فرهنگی غیر از این بتواند به وجود آید. این نکته عمق رابطه دین و فرهنگ را روشن میسازد. البته عدهای پا را از این فراتر نهاده و فرهنگ را از پیامدهای تأثیر دین میدانند و معتقدند که فرهنگ محصول تبادلاتی است که میان دین و جامعه برقرار شده است که در این تبادلات هنر، آداب و رسوم، سنتها، باورها و اخلاق جامعه شکل مییابد. حقیقت آن است که دین و فرهنگ از جنبه‌های مختلفی با هم ارتباط دارند که لازم است به تأثیر دین در شکلگیری قوانین و آداب فردی و اجتماعی، سلامت روانی جامعه و حفظ تعادل اجتماعی، بروز رفتارهای مطلوب اقتصادی حفظ حریم فردی و جسمی، ارتقای امنیت اجتماعی و آرامش فردی، درونی کردن الگوهای فردی و اجتماعی موجود در سطح جامعه، پابندی افراد جامعه به رعایت قوانین و هنجارهای فردی و اجتماعی به عنوان محورهای مهم ارتباط دین و فرهنگ اشاره کنیم. اما از نظر واژه شناسی، فرهنگ از نظر لغوی شکل تغییر یافته کلمه فرهنگ در فارسی قدیم است و به معنای علم، دانش، ادب، تعلیم و تربیت نمودن عمید، فرهنگ آمده است که این امر بیانگر ویژگی عمیق علمی- تربیتی واژه فرهنگ و تأثیر آن در افراد و جامعه انسانی است. فرهنگ و ظرفیتهای گسترده آن مربوط به انسان و جامعه بشری است که به دلیل برخورداری از ویژگیهایی چون هوشمندی، سخن گفتن، دانایی، تربیت پذیری، جمال پرستی و زیبادوستی، نوآوری و قدرت سازندگی، دوراندیشی میتواند موجب رشد و تعالی خود و جامعه انسانی را فراهم نموده و یا برعکس، وضعیت آن را به سوی نابودی و افول سوق دهد. با توجه به عنوان این مقاله فرهنگ مهدویت که ترکیبی از باور مرقی مهدویت و عناصر فرهنگ است، باید قبل از پرداختن به

تعریف فرهنگ - که غالباً خاستگاه غربی دارد - سرچشمه های آن در فرهنگ قرآنی - اسلامی بررسی گردد؛ فرهنگ در قرآن و اسلام جایگاهی بس رفیع و ارزشمند دارد و اندک تأملی در آیات قرآن کریم مانند تیلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب والحکمه، نشان میدهد که ادب، دانش و حکمت از آغاز دین مبین اسلام، جایگاه شایسته ای داشته است؛ هرچند در دین اسلامی، کلمه خاصی برای مفهوم فرهنگ در نظر گرفته نشده است، مصادیق فرهنگ در قرآن و در اسلام مورد توجه بوده و در قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم (ص) و سیره ائمه اطهار(ع) به دفعات آمده است. موضوعاتی چون تعلیم، تربیت، تزکیه، حقوق فردی و اجتماعی، آداب معاشرت و رفتار اجتماعی، خوش اخلاقی، مروت، حسن تدبیر، کمالات و فضایل و از ویژگیهای بارز فرهنگی است که در قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و سیره امامان معصوم(ع) مورد تأکید قرار گرفته است. فرهنگ با توجه به دیدگاه ها و معیارهای مختلف و توسط دانشمندان غربی و شرقی، دارای تعاریف متعددی است که پرداختن به همه آنها و حتی غالب آنها موضوع این پژوهش نیست اما از آنجاکه این پژوهش در بطن فرهنگ و عناصر آن قرار میگیرد، لازم است جهت تسهیل در فهم موضوع، برخی اصول و ویژگیهای مشترک مطرح شده در تعریفهای فرهنگ بررسی شود(عظیمی، ۱۳۹۹: ۱) یکی از نکات مهم در فهم معنای فرهنگ و تعریف آن، این است که وجه مشترک همه تعاریف، دیدگاه های مطرح شده برای آن لحاظ شود مفهوم تربیت، مرجع اصلی تمامی معانی مشتق شدهای است که گروه های اجتماعی در تداوم سیر تاریخ، از فرهنگ مورد نظر داشته اند و امروز نیز با وجود همه تحولات تاریخی و اجتماعی، همان مفهوم پرورش تکامل یافته و توسعه پذیر، به ذهنها متبادر میشود. این نقطه قوتی است که همه پژوهشگران و مصلحان اجتماعی را در جهت آینده فرهنگ ملی و جهانی، امیدوار ساخته و همه تلاشها را در جهت بهبود، پیشرفت و توسعه فرهنگی انسان جهت میدهد. (۲) راه شناخت یک کل منسجم، شناخت جزئیات و عناصر تشکیل دهنده آن است و این اصل زمانی روشن میشود که بدانیم فرهنگ از شش لایه تشکیل شده است که سه لایه نخست، هسته فرهنگ و سه لایه دیگر، پوسته آن را تشکیل میدهد. لایه نخست، باورها که به معنای نظام جهانی و اعتقادات و نوع نگرش به خدا، انسان و جهان است؛ لایه دوم، ارزشها و به معنای بایدها و نبایدهاست؛ لایه سوم، هنجارها که به معنای الگوهای رفتاری برآمده از ارزشهاست؛ لایه چهارم نماد و اسطوره که شامل سرود، پرچم، مشاهیر و شخصیتهای علمی و فرهنگی یک کشور است؛ لایه پنجم، آیینها، آداب و رسوم است که رفتارهای اجتماعی را شکل میدهد و منجر به جامعه پذیری و درونی کردن عادات و علائق اجتماعی میشود؛ لایه ششم را فناوریها، مهارتها و نوآوریها تشکیل میدهد و ناظر به محیط و فضای نوینی است که فرهنگ عمومی در بستر آن شکل میگیرد و مظهر تعامل و تبادل کنشهای اجتماعی و الگوهای ارتباطی به شمار می آید(دهشیری، ۱۳۸۸).

بسیار از محققان و مربیان معتقدند که باورها معلمان درباره موضوع درسی، درسی و یادگیری آن، عامل تعیین کننده پرورش مهارتهای تفکر میباشد. منظور از باورهای معلمان طرح و راه هایی هستند که به کمک آنها محتوای درسی تعبیر و تفسیر میشود، شیوه های دریافت و پردازش اطلاعات دانش آموزان مشخص شده و شیوه های تدریس معلمان را تعیین میشود (فیلیپ^۱، ۲۰۱۷). چنگ و همکاران^۲ (۲۰۱۹)، نشان دادند که باورها معلم نظریه ها عملی معلم در تدریس کلاسی است که راهبردهای آموزشی و عملکرد کلاسی معلم را تحت تأثیر قرار میدهد. پرورش کاران معلمها، علاقه زیادی به باورهای معلم درباره یادگیری و تدریس از خود نشان داده اند. ای باورها معلمان میتوانند تأثیر قابل ملاحظه ای روی

^۱ - Philipp, R. A

^۲ - Cheng and etal

چگونگی سازماندهی فعالیتها کلاسی و تعامل دانش آموزان داشته باشد. یکی از این باورهای معلم عقاید آنها درباره تفکر انتقادی است؛ یعنی عقاید آنها درباره مهارتهای شناختی و راهبردهایی است که موجب افزایش آن مهارتها میشود. نظریه و پژوهش بر روی باورهای معلم درباره فعالیتهای آموزشی رشد دهنده مهارتهای عالی تر تفکر به این نتیجه رسیده است که دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، فعالیتهای آموزشی رشد دهنده سطوح بالای تفکر را دریافت نمیکند زیرا معلمان بر این باور هستند که فعالیت آموزشی سطح پایین تفکر انتقادی در مقایسه فعالیتهای آموزشی سطح بالا برای دانش آموزان و یادگیرندگان دارای پیشرفت تحصیلی، و توانایی پایین بیشتر مناسب است. چنین باوری به خود کام بخشی معلمان منجر میشود، زیرا یادگیرندگان دارای توان بالا، آموزشهای سطح بالای تفکر را دریافت میکنند که به عملکرد تحصیلی سطح بالاتر منتهی میشود، آن نیز خود موج میشود که معلمان درسهای سطح بالای تفکر انتقادی را ارائه کنند در مقابل یادگیرندگان دارای توانایی و پیشرفت تحصیلی پایین درسها و فعالیتهای آموزشی سطح بالاتر را دریافت نمیکند. این نیز موجب میشود تا آنها مهارتهای شناختی قوی را در خود ایجاد نکنند و در ادامه نیز معلمان به آنها تکالیف آموزشی سطح بالای تفکر ارائه نکنند. پیشینه پژوهش نشانگر آن است که این باورها و نظریه ها ضمنی معلمان میتواند راهنمایی برای عمل تدریس معلمان در کلاس درس باشد. اگر معلمان باور داشته باشند که آموزش سطوح عالی تر تفکر از توانایی دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، خارج است، این باور نتایج آموزشی زیاد میتواند داشته باشد. از جمله این که این دانش آموزان را از تکالیف آموزشی پرورش دهنده سطوح بالاتر تفکر، محروم میکنند. باورهای معلمان درباره فعالیتهای آموزشی پرورش دهنده تفکر انتقادی سطح بالا را برای دانش آموزان توان بالا و پایین بررسی نمودند اما تناسب فعالیتهای آموزشی پرورش دهنده سطح پایین تفکر را برای دانش آموزان توان بالا و پایین بررسی نکردند؛ اما مطالعه واربورتون و تورف^۳ (۲۰۱۵)، باورهای معلمان درباره فعالیتهای آموزشی تفکر انتقادی (هر دو نوع فعالیت آموزشی سطح بالا و پایین) برای یادگیرندگان مختلف را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد معلمان باور دارند دانش آموزان دارای توان پایین کمتر از فعالیتهای آموزشی مربوط به تفکر انتقادی بهره میبرند. همچنین آنها معتقدند که فعالیتهای آموزشی سطح پایین (روش سخنرانی) برای دانش آموزان توان پایین موثرتر است (بدری گرگری، ۱۳۹۶).

فرهنگ مهدویت: مقصود از فرهنگ مهدویت، نگرستن به موضوع ظهور امام عصر(ع) و حکومت جهانی ایشان، به مثابه یک تئوری جامع و فراگیر است. آموزه مهدویت در طول تاریخ فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده و هیچ آموزه دیگری به اندازه آن از اهمیت برخوردار نبوده است؛ اما علی رغم این اهمیت، متأسفانه به مثابه یک تئوری و راهکار مهم مورد توجه و دقت نظر قرار نگرفته است. از این رو بر اندیشمندان و فرهیختگان است که در این باره به ژرف اندیشی و فرهنگ سازی بپردازند تا مهدویت آنچنان که شایسته است و در متون دینی ما سفارش شده، مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که به نظر نگارنده، آموزه مهدویت در اسلام دارای منزلت فرهنگ اعتقادی - فلسفی است، در این مقاله روشهایی راهبردی برای گسترش فرهنگ مهدویت ارایه می شود. امید ما بر آن است که این آموزه دینی، علاوه بر حاکمیت بر احساسات و عواطف ما، در محیطهای علمی و پژوهشی هم شفاف سازی شود، بنابراین از پنج مولفه استفاده شده است که شامل شناخت حضرت مهدی، ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی، انتظار ظهور حضرت مهدی، آگاهی به فلسفه غیبت و آگاهی از ظهور حضرت مهدی میباشد (مازندرانی، ۱۳۹۰).

³ - Warburton, E., Torff, B

باور معلمان: تقاضای روزافزونی برای وارد کردن مفاهیم علمی یادگیری بر مبنای مطالعات روانشناسی شناختی و علوم اعصاب شناختی در دوره های آموزشی معلمان در حال شکلگیری است. شاهد چنین تقاضایی دستورالعملهای جدید سازمان های مرتبط با تربیت در برخی کشورهاست که ارجاعات متعددی به فرآیندهای شناختی زیربنای یادگیری دارد. تلاشهای بین المللی مشابهی از سوی یونسکو و سازمان پژوهشهای بین المللی مغز نیز دیده میشود. بخشی از این تقاضا به دنبال نتایج مطالعات متعددی است که نشان دادند معلمان باورهای غلطی در مورد مغز و کاربرد علوم اعصاب در یادگیری دارند، باورهایی که افسانههای عصبی خوانده میشوند (هاروارد جونسن و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

آموزش و پرورش نهادی است که میتواند اصول و مفاهیم انتظار را در افراد درونی کند و به اصطلاح رفتارهای آنها منجر شود. اعتقاد به انتظار ظهور مهدی موعود از جمله آرمان های مهم در تعلیم و تربیت اسلامی است که باید در برنامه های آموزشی مدارس قرار گیرد، زیرا انتظار فرهنگ انتظار یا فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنها به عنوان منتظران ظهور مهدی موعود، نیازمند بهره گیری از شیوه های خاص تربیتی است. با این حال، رواج بحرانهای اخلاقی و ناهنجاریهایی که نسل جوان را آماج حملات مختلف قرار داده است، به توجه و آگاهی افزون تر نسبت به فرهنگ انتظار یا فرهنگ مهدویت نیاز دارد (زروندی و همکاران، ۱۳۹۴). زمانی دانش آموزان شیعه میتوانند به باور درستی از فرهنگ مهدویت برسند که اولاً ایمان و باور قلبی به حضرت داشته باشند و ثانياً او را خوب بشناسند. با این دیدگاه شناخت امام زمان شناخت معیاری است که به سبب آن میتوان فهمید که در سه ساحت مهم اعتقادی، اخلاقی و عملی چگونه خواهد بود. بدیهی است این شناخت هیچگاه در خلاء شکل نمیگیرد بلکه ایجاد و رشد آن نیازمند کارکرد نظام های آموزشی است؛ بنابراین، یکی از مهمترین نهادهایی که میتواند در این راستا مفید واقع شود، نهاد آموزش و پرورش است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۱). مدارس از طریق ارتباط با نسل جوان تلاش میکند آرمان ها، انتظارات، باورها، امیدها، افکار مورد نظر جامعه را به نسل نو منتقل کنند (ادیب و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده انتقال مباحث دینی و اعتقادی یا مذهبی به افراد نو یا نسل جدید جهت برپایی دین و مذهب ضرورت دارد. آموزش و پرورش نیز نقش مهمی در تربیت و تعلیم نسل جدید نقش قابل توجهی دارد که معلمان میتوانند کمک نمایند و بدین منظور باید ابتدا باور اعتقادی، اخلاقی و عملی آنها تقویت یابد تا بتواند معلومات دینی خود را به نسل جدید و بخصوص دانش آموزان از مقاطع پایین منتقل کنند. به باور بسیاری از محققان کودکان و یا دانش آموزان در فراگیری فرهنگ مهدویت باید توسط معلمان یا افرادی آموزش ببیند که باور دینی و اعتقادی یا مذهبی آنان نیز بالا باشد. معلمان که امروزه اغلب جوانان جامعه ما را تشکیل داده اند توسط افراد گذشته و یا معلمان گذشته به باور قلبی، مذهبی و اعتقادی رسیده اند و باید این هدف نسل به نسل منتقل شود یا در آینده نیز دانش آموزان و نسل جدید بتوانند این مسیر را در پیش گیرند تا انتظار ظهور را با شوق و لذت بیشتری استقبال نمایند و منتظر ظهور امام باشند و فرهنگ مهدویت را بیشتر از قبل در جامعه دینی و مذهبی حفظ نمایند. در این راستا معلمان مقطع ابتدایی به عنوان افراد تأثیرگذار در ایجاد فرهنگ مهدویت این نقش را برعهده دارند که به دانش آموزان مقاطع ابتدایی منتقل نمایند؛ از این رو، پرداختن به بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد ضرورت داشت.

⁴ - Howard-Jones and etal

مروری بر نتایج تجربی پژوهش

سلیمان پور عمران و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی آموزش دوره سبک زندگی منتظرانه بر فرهنگ اعتقاد به مهدویت دانش آموزان متوسطه پرداختند. یافته های پژوهش نشان میدهد که آموزش دوره سبک زندگی منتظرانه در افزایش فرهنگ اعتقادی به مهدویت دانش آموزان میتواند تأثیرگذار باشد و آموزشهای مستقیم این دوره، در کنار دیگر شیوه های تربیتی توصیه میگردد.

رحمتی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی باورهای معلمان ایرانی در مورد یادگیری و تدریس پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد معلمان ایرانی بیش از همه در جریان اصلاحات آموزشی اخیر از نقش معلم در تدارک بازیها و تجارب متنوع برای دانشآموزان آگاه شدهاند، در حالی که تفاوتها و تناقضات دو مفهوم دانش آموز محوری و معلم محوری کماکان برای معلمان روشن نیست و در اظهارات خود به تناوب به این دو رویکرد اشاره کرده اند. همچنین معلمان از اهمیت نقش دانش قبلی به عنوان چارچوب سازمان دهنده به تجربه ها و اطلاعات جدید غافلند، توجه اندکی به نقش عوامل اجتماعی بر یادگیری دارند، جایگاه دانش را درون ذهن قلمداد میکنند و با وجود اهمیت زیادی که برای عوامل هیجانی و انگیزش قائلند از نظریه های دقیق انگیزشی بی اطلاعند. همچنین علیرغم تأکید زیادی که بر وارد کردن مفاهیم روانشناسی شناختی و علوم اعصاب شناختی در دوره های آموزش معلمان وجود دارد، معلمان درک محدودی از مفاهیمی مانند حافظه و توجه دارند.

عظیمی (۱۳۹۹)، درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن را بررسی نمود. فرهنگ مهدویت میتواند ضمن خنثی سازی تلاشهای پیدا و پنهان ابرقدرتهای نوین جهان، سعادت و تکامل همه آحاد بشر را در سراسر کره زمین در زیر پرچم توحید و برابری محقق سازد و زمینه تحقق وعده های تخلف ناپذیر الهی را فراهم نماید. این مقاله تلاش دارد که اصول علمی و عملی فرهنگ مرقی مهدویت، یعنی اندیشه و اعتقادات، ارزشها، هنجارها و نمادهای آن را در راستای اصول علمی شناخته شده فرهنگ مورد طرح و بسط قرار میدهد.

بدری گرگری (۱۳۹۶)، تعیین باورهای معلمان درباره اثربخشی انواع روشهای آموزش تفکر انتقادی بر اساس توان متفاوت دانش آموزان را بررسی کردند. دبیران شهر تبریز باور دارند فعالیت آموزشی رشد تفکر انتقاد برا دانش آموزان توان بالا موثرتر از استفاده از ای روش برا دانش آموزان ضعیف میباشد. همچنین یافته های پژوهش نشان داد که دبیران روشها آموزش مستقیم را نیز برای دانش آموزان توان بالا موثرتر از دانش آموزان ضعیف میدانند. یکی از کاربردهای عملی پژوهش است که باید در برنامه ها تربیت معلم به طور گسترده و آشکارتر در زمینه آموزش مهارتهای عالیتر تفکر به دانش آموزان ضعیف توجه شود.

سعیدی پور و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با آموزش معارف مهدوی بر بهزیستی روانشناختی نشان دادند که آموزش معارف مهدوی بر بهزیستی روانشناختی تأثیر مثبت داشته است؛ ولی آموزش معارف مهدوی تأثیری بر جهت گیری زندگی دانش آموزان نداشته است.

جعفری هرندي (۱۳۹۴)، نقش فرهنگ مهدویت بر کتاب درسی را بررسی نمود. نتایج نشان داد از بین راهکارهای بدست آمده به ترتیب طرح مفاهیم، مصادیق، تصاویر، مولفه های مربوط به فرهنگ مهدویت در کتابهای درسی، نقش الگویی دبیران و کادر اجرایی مدرسه و تطابق گفتار و کردار آنها با فرهنگ مهدویت، یاد کردن از افراد مشهور در حوزه مهدویت حین تدریس متناسب با محتوای درس کلاس، ملاحظه فعالیتهای عملی مرتبط با فرهنگ مهدویت و ارائه آن

در کلاس در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، افزایش توانایی علمی دبیران برای پاسخگویی به سوالهای دانش آموزان درباره مهدویت، انتقال تجربیات و خاطرات دانش آموزان از مباحث مرتبط با مهدویت به عنوان الگو برای سایر دانش آموزان، تأکید مدارس بر پرورش تفکر تحلیلی دانش آموزان برای درک و پذیرش فرهنگ مهدویت، آشناسازی دانش آموزان برای انتخاب دوستان پایبند به فرهنگ مهدویت قرار می گیرند.

زروندی و همکاران (۱۳۹۴)، مولفه های فرهنگ انتظار یا فرهنگ مهدویت به میزان علم و آگاهی از دانش آموزان را بررسی نمودند. نتایج نشان داد وضعیت مولفه های فرهنگ انتظار میزان ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی، میزان انتظار ظهور حضرت مهدی، میزان علم و شناخت حضرت مهدی، میزان آگاهی به فلسفه غیبت و میزان آگاهی به فلسفه ظهور، در میان دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی ناحیه ۴ شهر شیراز در حد متوسط بوده است.

وسنیادو و همکاران^۵ (۲۰۲۳)، نشان دادند در حالی که معلمان باور دارند یکی از کارهای مهم معلمان، آموزش راهبردهای خود تنظیمی به دانش آموزان است در عین حال و به طور همزمان باور دارند مهمترین کار معلم افزایش دانش دانش آموزان است. این محققان علت چنین امری را به تغییر مفهومی نسبت میدهند. به عبارت دیگر داشتن نظام باورهای همسو نیازمند تغییر مفهومی به معنای تغییر در ساختار شناخت افراد است.

واربورتون و تورف (۲۰۱۵)، باورهای معلمان درباره فعالیتها آموزشی تفکر انتقادی (هر دو نوع فعالیت آموزشی سطح بالا و پایین) برای یادگیرندگان مختلف را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد معلمان باور دارند دانش آموزان دارای توان پایین کمتر از فعالیتها آموزشی مربوط به تفکر انتقادی بهره میبرند. همچنین آنها معتقدند که فعالیتها آموزشی سطح پایین (روش سخنرانی) برای دانش آموزان توان پایین موثر است.

فرضیات اصلی و فرعی به صورت ذیل تدوین شده است:

فرضیه اصلی: فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: شناخت حضرت مهدی (عج) بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی (عج) بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر معناداری دارد.

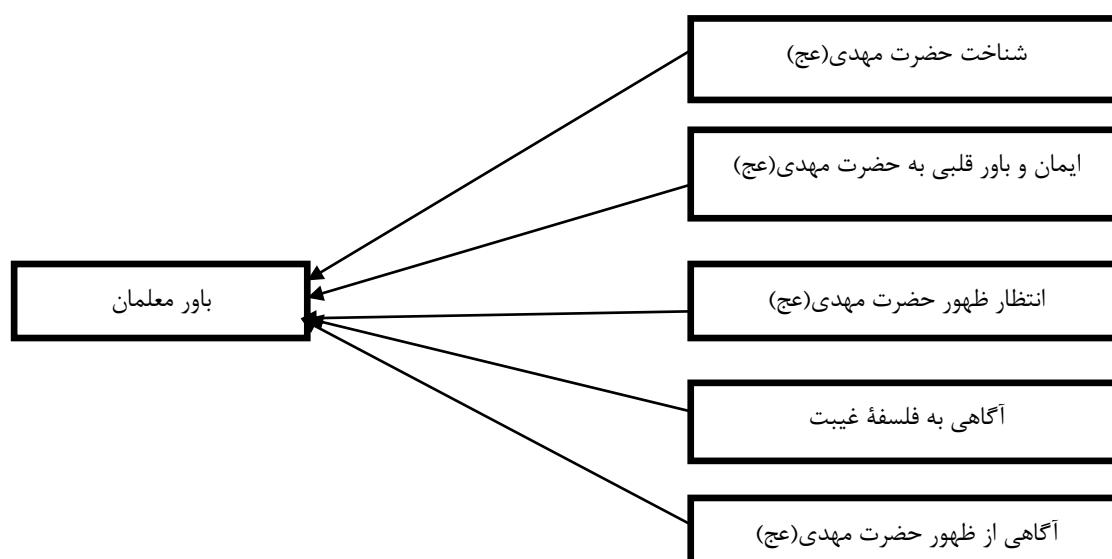
فرضیه فرعی سوم: انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی چهارم: آگاهی به فلسفه غیبت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی پنجم: آگاهی از ظهور حضرت مهدی (عج) بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر معناداری دارد.

⁵ - Vosniadou and etal

مدل مفهومی پژوهش:



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

در این مطالعه به بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد پرداخته می شود. به همین منظور روش پژوهش توصیفی - پیمایشی می باشد و از لحاظ هدف نیز کاربردی محسوب میشود که با استفاده از تئوری اثباتی به تثبیت فرضیه ها کمک می نماید. همچنین روش انجام کار به صورت پرسشنامه کمی سازی شده و تحلیل رگرسیونی با استفاده از نرم افزار SPSS می باشد.

جامعه آماری مربوط به مدارس مقطع ابتدایی شهرستان لامرد و به روش مقطعی در سال ۱۴۰۳ می باشد، نمونه آماری از بین مدیران و معلمان فعال در مدارس ابتدایی شهرستان لامرد به روش تصادفی انتخاب شد. افراد منتخب از جامعه آماری باید حداقل ۳ سال در مدارس فوق فعالیت داشته باشند.

با توجه به اینکه تعداد اعضای جامعه آماری مدارس مقطع ابتدایی شهرستان لامرد می باشند. بنابراین، تعداد نمونه آماری منتخب در این پژوهش ۸۵ نفر به روش تصادفی (سرشماری) انتخاب شدند.

روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل؛ فرهنگ مهدویت: از ۵ مولفه شناخت حضرت مهدی، ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی، انتظار ظهور حضرت مهدی، آگاهی به فلسفه غیبت، آگاهی از ظهور حضرت مهدی تشکیل شده و میزان نمره ای است که از پرسشنامه استاندارد، بدست آمده است و سوالات ۱ تا ۲۰ پرسشنامه را تشکیل داده است.

متغیر وابسته؛ باور معلمان: میزان نمره ای است که از پرسشنامه استاندارد، بدست آمده است و سوالات ۲۱ تا ۲۴ پرسشنامه را تشکیل داده است.

روایی و پایایی ابزار سنجش: در پژوهش حاضر به دلیل استاندارد بودن پرسشنامه های بکار گرفته شده روایی آنها به طور طبیعی مورد تأیید قرار می گیرد. اظهار نظر و تأیید استاد راهنما و چند تن از متخصصان دیگر مربوط به رشته های آمار و اقتصاد نیز اخذ گردید. برای برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن برای فرضیه تحقیق آورده شده است. از آنجایی که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای تحقیق بالای

۰/۷۰ است، لذا چنین می‌توان اذعان داشت که هر یک از متغیرها و در نهایت ابزار پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

جدول ۱- آزمون آلفای کرونباخ برای گویه‌ها

مقدار آلفا	گویه‌ها
۰/۸۸	شناخت حضرت مهدی
۰/۸۶	ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی
۰/۸۴	انتظار ظهور حضرت مهدی
۰/۸۶	آگاهی به فلسفه غیبت
۰/۸۸	آگاهی از ظهور حضرت مهدی
۰/۸۲	باور معلمان

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جنسیت، سن، تحصیلات افراد در دسترس نمونه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه آماری

جنسیت	فراوانی	درصد	دامنه سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
آقا	۴۹	۵۷/۶۵٪	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۲	۱۴/۱۱	کاردانی	۹/۴۱	۸
خانم	۳۶	۴۲/۳۵٪	۳۰ تا ۴۰ سال	۳۸	۴۴/۷۰	کارشناسی	۳۷/۶۵	۳۲
			۴۰ تا ۵۰ سال	۳۰	۳۵/۳۰	کارشناسی ارشد	۴۷/۰۵	۴۰
			بیش از ۵۰ سال	۵	۵/۸۹	دکتری	۵/۸۹	۵
کل	۸۵	٪۱۰۰	کل	۸۵	٪۱۰۰	کل	۸۵	٪۱۰۰

فرآیند تجزیه و تحلیل متغیرها

در این مرحله برای توصیف متغیرهای اصلی پژوهش از میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه داده‌ها استفاده شده است. با توجه به پرسشنامه که از طیف لیکرت استفاده شده، عدد یک بیانگر حد ضعیف و عدد ۳ بیانگر حد وسط و عدد ۵ بیانگر حد بالا در طیف لیکرت می‌باشد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳- تجزیه و تحلیل متغیرها در مدل

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
شناخت حضرت مهدی	۳/۲۲	۴/۹۵	۴/۲۲	۰/۳۸
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی	۳/۴۸	۵/۰۰	۴/۳۲	۰/۳۲
انتظار ظهور حضرت مهدی	۳/۳۵	۴/۹۵	۴/۲۶	۰/۳۳
آگاهی به فلسفه غیبت	۳/۲۵	۴/۹۵	۴/۰۶	۰/۳۷
آگاهی از ظهور حضرت مهدی	۳/۲۴	۵/۰۰	۴/۲۶	۰/۳۲
باور معلمان	۳/۲۸	۴/۹۰	۴/۲۲	۰/۳۵

همانطور که مشخص است بیشترین میانگین مربوط به ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی با میزان ۴/۳۲ و کمترین میانگین مربوط به آگاهی به فلسفه غیبت با ۴/۰۶ است.

آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب آلفای کرونباخ

در جدول ذیل نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف خلاصه شده است:

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف

گویه ها	ضریب بدست آمده	نتیجه
شناخت حضرت مهدی	۰/۰۵۸	تایید نرمال بودن توزیع آماری
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی	۰/۰۵۳	تایید نرمال بودن توزیع آماری
انتظار ظهور حضرت مهدی	۰/۰۵۰	تایید نرمال بودن توزیع آماری
آگاهی به فلسفه غیبت	۰/۰۵۲	تایید نرمال بودن توزیع آماری
آگاهی از ظهور حضرت مهدی	۰/۰۵۱	تایید نرمال بودن توزیع آماری
باور معلمان	۰/۰۵۴	تایید نرمال بودن توزیع آماری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتیجه بدست آمده نرمال بودن توزیع همه گویه ها مورد تایید می‌باشد.

جدول ۵- ضریب آلفای کرونباخ و تعداد سوالات

مولفه	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
شناخت حضرت مهدی	۴	۰/۸۸
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی	۴	۰/۸۶
انتظار ظهور حضرت مهدی	۴	۰/۸۴
آگاهی به فلسفه غیبت	۴	۰/۸۶
آگاهی از ظهور حضرت مهدی	۴	۰/۸۸
باور معلمان	۴	۰/۸۲

در این بخش با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش به فرضیه های پژوهش با روش های عدم هم خطی متغیرها پاسخ داده می شود.

آزمون عدم همخطی متغیرها

جدول ۶- نتایج آزمون عدم همخطی متغیرها

معادله مورد نظر	آماره VIF	تلورانس	نتیجه
شناخت حضرت مهدی	۱/۰۱	۰/۷۱	تایید عدم همخطی
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی	۱/۰۴	۰/۷۳	تایید عدم همخطی
انتظار ظهور حضرت مهدی	۱/۰۷	۰/۸۲	تایید عدم همخطی
آگاهی به فلسفه غیبت	۱/۰۹	۰/۷۸	تایید عدم همخطی
آگاهی از ظهور حضرت مهدی	۱/۰۸	۰/۷۷	تایید عدم همخطی
باور معلمان	۱/۰۶	۰/۸۱	تایید عدم همخطی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در صورتی که میزان تلورانس کمتر از ۰/۱ و یا VIF بیشتر از ۱۰ باشد رأی به وجود همخطی بین متغیرهای مستقل می‌دهد.

تخمین مدل رگرسیونی

با توجه به توضیحات داده شده رگرسیون ذیل تخمین زده میشود:

$$Y_1 = \beta_0 + \beta_1.X_1 + \beta_2.X_2 + \beta_3.X_3 + \beta_4.X_4 + \beta_5.X_5 + \varepsilon$$

جدول ۷- معرفی متغیرهای مدل رگرسیونی

متغیر	نماد	نوع متغیر
باور معلمان	Y_1	وابسته
شناخت حضرت مهدی	X_1	مستقل
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی	X_2	مستقل
انتظار ظهور حضرت مهدی	X_3	مستقل
آگاهی به فلسفه غیبت	X_4	مستقل
آگاهی از ظهور حضرت مهدی	X_5	مستقل

جدول ۸- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ: باور معلمان			
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	آماره آزمون تی	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۰/۰۲۷	۲/۹۶	۰/۰۰۰
شناخت حضرت مهدی	۰/۰۳۶	۱۵/۰۲	۰/۰۰۰
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی	۰/۰۵۳	۱۴/۲۶	۰/۰۰۰
انتظار ظهور حضرت مهدی	۰/۰۲۲	۱۶/۳۳	۰/۰۰۰
آگاهی به فلسفه غیبت	۰/۰۱۸	۱۵/۲۱	۰/۰۰۰
آگاهی از ظهور حضرت مهدی	۰/۰۱۶	۱۰/۱۱	۰/۰۰۰
آماره آزمون اف = ۴۵۹/۷۳ ضریب تعیین = ۰/۸۸ سطح معناداری = ۰/۰۰۰ آماره دوربین واتسون = ۲/۱۵			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق جدول فوق تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد مورد بررسی قرار گرفت؛ با توجه به آماره دوربین واتسون و سطح معناداری دو شرط لازم برای تایید فرضیه فوق برقرار است چراکه می‌بایست آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ و سطح معناداری نیز صفر باشد.

بحث و نتیجه گیری

به صورت کلی نتایج پژوهش حاکی از آن است که فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر مثبت و معناداری دارد. فرهنگ مهدویت یکی از مسائل مهم دینی است که باید به آن توجه شود و برای ترویج آن تلاش نمود. فرهنگ مهدویت برای ترویج مذهب و یا شناخت و آگاهی افراد از مهدی موعود و انتظار وصال آن برای اشخاص و نونهالان دارای اهمیت ویژه ای است. از این رو، ابتدا باور معلمان از درک این فرهنگ و شناخت و آگاهی خود باید تقویت یابد تا بتوانند باعث شوند دانش آموزان را تعلیم و تربیت نمایند. بنابراین فرهنگ مهدویت در زمینه های مختلف و شناخت کافی از حضرت مهدی میتواند علاوه بر باور قلبی معلمان، باعث رشد و ترویج مذهب شود و از طرفی دانش آموزان مقاطع ابتدایی میبایست از همان ابتدا با متون دین و مذهب و آیین مربوط به آن آشنا شوند که از وظایف معلمان به شمار میرود.

نتایج حاصل از فرضیه اصلی نشان داد فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ به بیانی دیگر فرهنگ مهدویت با پنج مولفه شناخت حضرت مهدی، ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی، انتظار ظهور حضرت مهدی، آگاهی به فلسفه غیبت، آگاهی از ظهور حضرت مهدی می‌تواند موجب باور معلمان شود. به صورت کلی، هرچه معلمان در زمینه فرهنگ مهدویت اطلاعات بیشتری داشته باشد باور خود را افزایش دهند و در نتیجه در تعلیم و تربیت مسائل دینی و ترویج مذهب به دانش آموزان کمک بیشتری نمایند و آنها را در این زمینه آگاه تر سازند. این مطالعه با پژوهش وسنیدو و همکاران (۲۰۲۳)، سلیمان پور و همکاران (۱۴۰۰)، هم سو و هم راستا می‌باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی اول نشان داد شناخت حضرت مهدی(عج) بر باور معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ به عبارتی دیگر هرچه معلمان به شناخت حضرت مهدی(عج) توجه بیشتری داشته باشد، باور قلبی آنها قوی تر میشود و در نتیجه میتوانند در ترویج مذهب و یا ترویج فرهنگ مهدویت نقش بهتری داشته باشند. معلمان باید بتوانند باور قلبی خود را در زمینه شناخت حضرت مهدی تقویت نمایند تا بتوانند به دانش آموزان تعلیم مناسب تری ارائه دهند و در آگاهی آنها نقش کاملتری داشته باشند. این مطالعه با پژوهش وسنیادو و همکاران (۲۰۲۳)، رحمتی و همکاران (۱۴۰۰)، هم سو و هم راستا می باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی دوم نشان داد ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی(عج) بر باور معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ به عبارتی دیگر هرچه ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی بیشتر باشد، باور معلمان قوی تر میشود و در نتیجه میتوانند در ترویج مذهب و یا ترویج فرهنگ مهدویت نقش بهتری داشته باشند. معلمان باید بتوانند باور قلبی خود را تقویت نمایند تا بتوانند به دانش آموزان تعلیم مناسب تری ارائه دهند و در آگاهی آنها نقش کاملتری داشته باشند. این مطالعه با پژوهش وسنیادو و همکاران (۲۰۲۳)، رحمتی و همکاران (۱۴۰۰)، هم سو و هم راستا می باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی سوم نشان داد انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) بر باور معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ به بیانی دیگر انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) می تواند باعث باور قلبی معلمان و تقویت آن شود. به صورت کلی، انتظار ظهور یا برپا کردن مراسم مذهبی در خصوص ظهور حضرت مهدی منجر به افزایش اعتقادات دینی و باور معلمان می شود و در نتیجه دانش آموزان نیز درک بهتری از ظهور حضرت مهدی داشته باشند. این مطالعه با پژوهش واربروتون و تورف (۲۰۱۵)، عظیمی (۱۳۹۹)، هم سو و هم راستا می باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی چهارم نشان داد آگاهی به فلسفه غیبت بر باور معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ به بیانی دیگر آگاهی به فلسفه غیبت می تواند باعث باور قلبی معلمان شود. شناخت و آگاهی به فلسفه غیبت که موجب تقویت باور معلمان شده است میتواند ذهنیت دانش آموزان را نسبت به فرهنگ مهدویت و یا درک مطالب بیشتر در این زمینه داشته باشد و در نهایت ترویج مذهب و اعتقادات دینی میان آنها نیز رشد پیدا کند. این مطالعه با پژوهش واربروتون و تورف (۲۰۱۵)، سعیدی پور و همکاران (۱۳۹۴)، هم سو و هم راستا می باشد.

نتایج حاصل از فرضیه فرعی پنجم نشان داد آگاهی از ظهور حضرت مهدی(عج) بر باور معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ به عبارتی دیگر هرچه دانش معلمان از شناخت و آگاهی از ظهور حضرت مهدی(عج) بیشتر باشد، باور قلبی قوی تری خواهند داشت و در نتیجه میتوانند در فرهنگ مهدویت را بهتر بین دانش آموزان گسترش دهند. معلمان باید بتوانند باور قلبی خود را در زمینه آگاهی از ظهور حضرت مهدی تقویت نمایند تا بتوانند دانش آموزان را بهتر تعلیم و تربیت دهند و در آگاهی آنها نقش کاملتری داشته باشند. این مطالعه با پژوهش وسنیادو و همکاران (۲۰۲۳)، رحمتی و همکاران (۱۴۰۰)، هم سو و هم راستا می باشد.

پیشنهادهای کاربردی و برای محققان آتی

باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل فرضیه ها در خصوص فرضیه اصلی میتوان پیشنهاد نمود جهت تقویت باور معلمان نسبت به فرهنگ مهدویت، باید بتوانند کتابها و مطالب دینی و مذهبی را در زمینه فرهنگ مهدویت مطالعه نمایند. همچنین میتوانند برای درک بهتر و تقویت دانش خود در این زمینه از علمای دینی و مذهبی کمک بگیرند تا باور قلبی خود را تقویت و برای تعلیم و تربیت دانش آموزان استفاده نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی اول، پیشنهاد میشود جهت بهبود باور قلبی معلمان، باید خود را در زمینه شناخت حضرت مهدی (عج) تقویت نمایند و از کلاسهای دینی و مذهبی بهره ببرند و یا اینکه در این زمینه مطالعاتی داشته باشند تا بتوانند شناخت خود را از آن حضرت به صورت کامل بالا ببرند و در آموزش آن به دانش آموزان نقش موثرتری داشته باشند و حتی میتوان برای دانش آموزان نیز کلاسهای مذهبی و دینی در این زمینه برپا نمود تا درک آنها از شناخت حضرت مهدی بیشتر شود.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی دوم، پیشنهاد میشود جهت بهبود باور معلمان، آنها باید ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی (عج) را تقویت نمایند تا بتوانند ابتدا خود به شناخت کاملی از حضرت مهدی و ظهور آن داشته باشند و سپس آن را به دانش آموزان مقاطع ابتدایی منتقل نمایند. باور قلبی معلمان زمانی تقویت میشود که نسبت به آن حضرت احترام و عقیده بالایی داشته باشند و برای ظهور آن و یا ترویج و آگاهی آن تلاش نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی سوم، پیشنهاد میشود جهت بهبود باور معلمان، آنها باید انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) را باور داشته باشند و برای ظهور حضرت تلاش نمایند و از منتظران آن حضرت باشند. در این زمینه معلمان باید باور قلبی خود را در این زمینه مستحکم تر نمایان سازند و بتوانند عقیده و یا اعتقادات دینی و مذهبی خود را به تکامل برسانند تا در انتقال آن به دانش آموزان نیز موثرتر باشند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی چهارم، پیشنهاد میشود جهت بهبود باور قلبی معلمان، آنها باید بتوانند شناخت و آگاهی به فلسفه غیبت را در خود تقویت نمایند و بر این باور باشند که فلسفه غیبت حضرت مهدی وجود داشته و از منتظران آن حضرت باشند. همچنین میتوان با مطالعه در زمینه مطالب دینی و یا کلاسهای مذهبی و ترویج آن شرکت نمایند تا با افزایش دانش خود در این زمینه به دانش آموزان نیز منتقل نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی پنجم، پیشنهاد میشود جهت بهبود باور قلبی معلمان، آنها باید بتوانند شناخت و آگاهی از ظهور حضرت مهدی (عج) را باور داشته باشند و از حامیان و منتظران آن حضرت باشند. همچنین معلمان باید با تقویت سواد و آگاهی لازم در این زمینه و کسب مطالب دینی و مذهبی ایمان و باور قلبی خود را تقویت نمایند و منجر به شناخت تکامل از فلسفه غیبت و ظهور آن حضرت داشته باشند و به دانش آموزان خود نیز منتقل نمایند.

با توجه که در این مطالعه بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مورد سنجش قرار گرفته است؛ انتظار میرود پژوهشگران آتی بتوانند این مطالعه را با کمک متغیرهای زیر نیز به انجام برسانند که شامل: نقش کتابهای دینی و مذهبی، نقش عالمان دینی، در مدارس متوسطه یا سطح دانشگاه ها، نقش برنامه های آموزشی، نقش اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، نقش مساجد و مراکز دینی و مذهبی میباشد.

منابع و مأخذ

- ادیب، ی، فتحی آذر، ا، ابراهیمی هرستانی، ا (۱۳۹۳). ادراک دانش آموزان فارغ التحصیل سوم متوسطه نظری از مهدویت، پژوهشی پدیدارشناسانه، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۹ (۷)، ۱۹-۲۶.
- بدری گرگری، ر (۱۳۹۶). تعیین باورهای معلمان درباره اثربخشی انواع روشهای آموزش تفکر انتقادی بر اساس توان متفاوت دانش آموزان؛ فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران؛ ۱۰ (۳۸)؛ ۸۷-۱۰۴.
- جعفری هرنندی، ر (۱۳۹۴). تحلیل راهکارهای موثر بر نهادینه سازی فرهنگ مهدویت در برنامه درسی دوره متوسطه از دیدگاه دبیران شهر اصفهان، فصلنامه مشرق موعود، ۱۰ (۳۷)، ۱۲۳-۱۴۴.

- دهشیری، مهدی (۱۳۸۸). رسانه و فرهنگ سازی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲(۸).
- رحمتی، ز، تلخابی، م، مرادی، ع.ر. (۱۴۰۰). بررسی باورهای معلمان ایرانی در مورد یادگیری و تدریس؛ مجله تازه های علوم شناختی، ۲۳(۲)، ۱۳۱-۱۴۳.
- زروندی، ن، زروندی، ج، خنیفر، ح (۱۳۹۴). تحلیل دینی بر فرهنگ انتظار در جامعه زمینه ساز ظهور (بررسی موردی در میان دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی ناحیه ۴ شهر شیراز)، فصلنامه مشرق موعود، ۹(۳۵)، ۸۳-۱۰۰.
- سعیدی پور، ا، دلاور، ع، چیناوی، ع، سلم آبادی، م (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش معارف مهدوی بر بهزیستی روان شناختی و جهت گیری زندگی، دین و سلامت، ۳(۲)، ۱۹-۲۸.
- سلیمان پورعمران، م، قلی پور، م، مجتبی، س (۱۴۰۰). بررسی آموزش دوره سبک زندگی منتظرانه بر فرهنگ اعتقاد به مهدویت دانش آموزان متوسطه؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۲)، ۱۰۵-۱۲۸.
- صادقی، م (۱۳۸۷). جایگاه دین در سلامت روانی دین؛ تهران، انتشارات طریق کمال، نقل در نوابخش.
- عظیمی، ک (۱۳۹۹). درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن؛ دین و ارتباطات، ۱۷(۱)، ۱۴۱-۱۶۸.
- مازندرانی، ملامحمد صالح (۱۳۹۰). شرح اصول کافی، جلد ۵.
- مرادی، ا، قلمکاریان، م (۱۳۹۳). پیش بینی میزان انتظار فرج براساس امید، خوش بینی و منبع کنترل در دانشجویان، فصلنامه مشرق موعود، ۸(۲۹)، ۱۶۵-۱۸۰.
- یزدخواستی، ع، امینی، م، رحیمی، م، غفاری ایرانی، س (۱۳۹۱). بررسی وضعیت فرهنگ مهدویت بین دانش آموزان دوره متوسطه شهر قم، فصلنامه مشرق موعود؛ ۶(۲۳)، ۱۳۳-۱۴۹.
- Cheng, M.M.H, K.-W. Chan, S.Y.F. Tang, and A.Y.N. Cheng. 2019. Preservice teacher education students' epistemological beliefs and their conceptions of teaching. *Teaching and Teacher Education* 25, PP 319-27.
- Howard-Jones.A.P. Jay. P. Galeano. G.L. Professional. Devel opment on the science of learning and teachers performative thinking a pilot study. *Mind, Brain, and Education*. 2020. 14(3).267-278.
- Philipp, R. A. (2017). Mathematics teachers' beliefs and affect. In F. K. Lester (Ed.), Second handbook of research on mathematics teaching and learning (pp. 257-315). *Charlotte: Information Age*.
- Vosniadou es ,P Deur Van ,M Wyra ,MJ Lawson ,S d learning about beliefs' teachers service-Pre .DI Ngurah ,D p A :learning of regulation-self the about and .nal of Journal International .perspective change .Research 2020. 99; 101495.
- Warburton, E., Torff, B. (2015). The effect of perceived of learne advantages on teachers' beliefs about critical thinking activities. *Journal of Teacher Education* 2005, 1, PP24-33.

An Investigating the impact of Mahdist culture on the beliefs of elementary school teachers in Lamerd

Moslem Mozaffari ^{*1}

Ahmad Askari ²

Alireza Mansouri ³

Abstract

This study was conducted with the aim of determining the effect of Mahdist culture on the beliefs of elementary school teachers in Lamerd. The research method was descriptive-survey and applied. The research data were collected cross-sectionally in the first half of 2023 through a structured questionnaire distributed among the sample members and collected over a specific period of time. Validity was assessed in the form of face validity and data reliability using Cronbach's alpha test and its regression analysis. In this regard, the statistical population is elementary schools in Lamerd city, and the statistical sample includes 85 teachers from all active teachers in these schools, who were randomly selected. The results of the study indicate that the Mahdist culture has a positive and significant effect on the beliefs of elementary school teachers in Lamerd. Therefore, the Mahdist culture in the field of recognizing Imam Mahdi, belief and faith in the heart, expectation of the reappearance, awareness of the philosophy of occultation, and awareness of the reappearance of Imam Mahdi can strengthen the teachers' heartfelt beliefs.

Keywords

Mahdist culture, teachers' beliefs, philosophy of occultation, expectation of the reappearance

1* Master's student in Educational Sciences, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
(Corresponding author: moslem.mozafari1403@gmail.com)

2 Assistant Professor, Department of Bargaining Management, Islamic Azad University, Lamerd, Iran, askari0048@yahoo.com

3 Assistant Professor, Department of Industrial Management, Islamic Azad University, Lamerd, Iran, alirezamansori1355@yahoo.com